

روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر

فستیوال
فیلم فجر



شنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۴

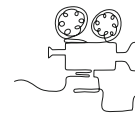
جشنواره ۴۴ فیلم
فجر از امروز در «خانه
جشنواره» آغاز شد.
در این شماره با
محمد جواد حکمی
کارگردان «غوطه‌ور»،
مهدی جعفری‌جوزانی
تهیه‌کننده «نگهبانان
خورشید» و سعید
مرادی، تهیه‌کننده
«غبار میمون» که
آثارشان در اولین روز
در پردیس ملت روی
پرده رفته، گفت‌وگو
انجام داده‌ایم.

در اهمیت

بیضایی و تقوایی بودن

یادباد

سکانس غم‌بار رفتن «ناصر تقوایی» و «بهرام بیضایی» در ماه‌های مهر و دی، سینمادوستان و هنرمندان سینما را در سوگ فرو برد. دو کارگردان مهمی که گرچه در چهار دهه اخیر کم فیلم ساختند اما هر گاه فیلمی ساختند، نگاه مردم و منتقدان سینمایی را در جشنواره فیلم فجر به اثر خود جلب کردند. این دو سینماگر ارزشمند در زمینه خلق اثر با مولفه‌های ملی واجد شاخصه‌هایی هستند که نمی‌توان از کنارشان بی‌تفاوت عبور کرد. روایت‌گری، اسطوره‌شناسی و برخورداری از دانش بینامتنی از تاریخ و تبدیل آن به سینما و نمایش در «بهرام بیضایی» و شناخت ادبیات، عکس و سینما با مرکزیت اقتباس ادبی در «ناصر تقوایی» آن چیزی است که در اهمیت بیضایی بودن و تقوایی بودن باید آنها را استود و پاس داشت.



سینمای ملی از دل هنرمند برمی خیزد



محمد جواد روح
سردبیر روزنامه هم میهن

روشن است که سینما، به عنوان بزرگ‌ترین و پرمخاطب‌ترین هنر، فقط یک سرگرمی نیست. اما اینکه بخواهیم مسئولیتی فراتر از تولید اثر هنری سرگرم‌کننده و طرح موضوعات ملی را به دوش بکشیم، نمی‌تواند از بالا و به شکل آمرانه یا سفارشی محقق شود. سینما مسئولیت حفظ یک نقش اجتماعی را دارد. سینما مانند

هر کار فرهنگی واقعی، از پایین و از دل دغدغه هنرمند و مولف شکل می‌گیرد. نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده وقتی می‌توانند نقش ملی ایفا کنند که خودشان به این جمع‌بندی برسند که باید سرانجام یک داستان مشخص، یک چهره، یک مساله یا یک روایت معنادار بر روند. وقتی این تصمیم از درون بدنه فرهنگ و هنر و به صورت خودجوش شکل بگیرد، نتیجه‌اش اثری است که می‌تواند تأثیر بگذارد. این جاست که سینما می‌تواند نقش واقعی‌اش را به عنوان هنری زنده، مسئول و اثرگذار ایفا کند. اما مساله از جایی پیچیده می‌شود که از سینما انتظار ایدئولوژیک داشته باشیم؛ این که بگوییم سینما باید نماینده گفتمان خاصی باشد، باید وظیفه ملی‌اش را انجام دهد، باید در برابر دشمن بایستد و از این قبیل شعارها و انتظارات. در چنین نگاهی، تعدادی نهاد یا بودجه‌های مشخص به عنوان تهیه‌کننده، با استفاده از منابع مالی و امکانات گسترده، وارد میدان می‌شوند و هنرمندان را به کار می‌گیرند. نتیجه این رویکرد، معمولاً یک محصول پرهزینه و پرزرق و برق است؛ یک پروژه عظیم با تبلیغات و هزینه‌های گسترده که در عمل، کارکرد اساسی ندارد و به اصطلاح بر دل مخاطب نمی‌نشیند؛ چون از دل مولف برنخاسته است. این درحالی است که در دهه شصت تا آنکه امکانات و منابع بسیار محدود و فیلم‌ها ساده بودند، اما چون کارگردان‌ها با انگیزه و دغدغه شخصی کار می‌کردند، آثار مال خودشان و برآمده از دلشان بود. کارگردانان شاخص دهه شصت البته بعدها از نظر فکری و سیاسی به مسیرهای متفاوتی رفتند، اما وقتی امروز به آن فیلم‌ها نگاه می‌کنیم، هنوز هم رد امضای شخصی‌شان را می‌بینیم. حتی آن‌هایی که در قالب نهادهای رسمی مثل حوزه هنری کار می‌کردند، سفارشی‌کاری نمی‌کردند و فیلم از درون‌شان می‌جوشید و به همین خاطر، آثارشان هنوز زنده است. این یک تفاوت اصلی بین سینمای سفارشی و سینمای خلاق و حرفه‌ای است. اما امروز، آثاری که تحت عنوان سینمای ملی یا شعارها و ارزش‌های انقلابی ساخته می‌شوند، عموماً کارهایی سفارشی هستند و در مقابل، گرایش‌های مخالف هم با ساخت آثار صرفاً جشنواره‌ای و شعاری از طرف دیگر فعال شده‌اند و در این میان، سینمای مستقل و فیلم‌های خودجوش، روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر شده‌اند. در واقع، آن سینمای ملی که در دهه شصت و تا حدودی هفتاد وجود داشت، کم‌کم از بین رفت. سینمایی شکل گرفته که نه در حوزه انتقادی و اجتماعی آثار درخشانی را شاهدیم و نه در حوزه فیلم‌های ارزشی، دفاع مقدس یا انقلابی هم فیلم‌های مؤثری ساخته می‌شود. به بیان دیگر، نه فیلم‌سازان جدی اجتماعی امروز، آن جایگاه سابق را دارند و نه حتی فیلم‌هایی که قرار بود مصرف ملی و هویتی داشته باشند، توانسته‌اند اثر ماندگاری خلق کنند. این یعنی مساله، فقط محتوا یا بودجه نیست؛ مساله، فرآیند شکل‌گیری اثر است. این تصور که هنرمند یا فیلم‌ساز منتقد، دشمن است، تصویری نادرست و ساده‌انگارانه است، هنرمند دشمن نیست و دوست مردم است. همه هنرمندان این کشور، با هر گرایش فکری و سیاسی، دل‌نگران ایران‌اند؛ نگران وضعیت معیشتی و اجتماعی مردم و نگران جایگاه و اعتبار بین‌المللی کشور هستند و به بیان دقیق کلمه، ملی هستند. اگر فضای سینما به گونه‌ای باشد که همه سینماگران، از طیف‌های مختلف، امکان فعالیت داشته باشند، آن وقت می‌توان به آینده این هنر امیدوار بود. متأسفانه، مجموعه سیاست‌گذاری سینمای ایران پس از انقلاب و ممیزی و سانسور آثار کارگردانان مولف، باعث شد تا ظرفیت‌های مهم سینمای ملی نابود یا دلسرد و حاشیه‌نشین شوند. همین امسال، ما شاهد از دست دادن چهره‌هایی چون ناصر تقوایی و بهرام بیضایی بودیم؛ سینماگرانی که شاید دهه‌ها طول بکشد تا دوباره نمونه‌ای نزدیک به آنها در سینمای ایران ظهور کند. تلخ‌تر آن که این بزرگان، چه در داخل و چه در خارج از کشور، سال‌ها عملاً یک‌پار ماندند و نظام فرهنگی ما نتوانست از ظرفیت و توانایی آن‌ها برای تولید آثار ارزشمند سینمایی و نیز پرورش نسل جدید سینما به درستی استفاده کند. بنابراین، مساله اصلی، به رسمیت شناختن هنرمند و حقوق و آزادی‌های اوست. اهل فرهنگ و هنر و از جمله سینماگران نه دنبال امکانات ویژه‌اند و نه پول و سرمایه‌گذاری‌های کلان. تنها خواسته‌شان این است که اجازه داشته باشند فیلم‌نامه‌ای را که دوست دارند بنویسند، داستانی را که باور دارند بسازند و با بازیگرانی که انتخاب می‌کنند روایت خود را بر اساس واقعیت‌های موجود جامعه ارائه دهند و فیلم‌شان را اکران کنند. اگر این مانع اصلی برداشته شود؛ اگر دولت و نهادهای مختلف از مداخله و ممیزی در سینما کنار بکشند و اجازه دهند این هنر مسیر طبیعی خود را پیدا کند، سینما قطعاً بهتر از هر شعار، نهاد یا بودجه دستوری می‌تواند از ارزش‌ها دفاع کند، سرمایه اجتماعی بسازد و حمایت ملی را به شکلی واقعی و ماندگار به دست بیاورد. اگر واقعاً از سینمای ملی حرف بزنیم، راهش این است که به سینماگران اجازه دهیم با امکانات کافی، آن‌طور که خودشان درست می‌دانند و در هر حوزه‌ای که تشخیص می‌دهند فیلم بسازند، در چنین شرایطی است که گفتمان ملی، نه به صورت دستوری، بلکه از دل خود سینما بیرون می‌آید و شکل می‌گیرد. گفتمانی که چون خودجوش است، می‌تواند ماندگار و اثرگذار باشد.



نشست دبیر

برای مرور

۱ جشنواره از نظر من (شاهسوار) با فیلم جشنواره می‌شود نه با اخبار و عکس، در جشنواره هر با یک تغییر مواجه می‌شویم چون تغییر امری اجتناب‌ناپذیر تدریجی و ماهیتی است.

۲ به ما گفتند سال پیش بخش ویژه جشنواره، فضا را ملتهب کرد اما امسال باورم دارم که به همان میزان خوب داریم اگر شما هم آثار را می‌دیدید حرف من را تایید می‌کنید.

۳ ما نیازمند واحد ارتباطات و رسانه هستیم، کار روابط عمومی مقطعی است اما باید جشنواره را تبدیل به برند کرده و آن را به صورت ملی ثبت کنیم که پارسال هم این کار را انجام دادیم. قطعاً این تغییرات کاستی‌هایی هم دارد اما بدانید که این برای تغییر است و باید به آن فرصت رشد دهیم.

۴ به ما کمک کنید. من دنبال نقد و نظر هستم، مبنای دبیرخانه این است که بتواند گفت‌وگوی جدی را برای ادوار بعدی فراهم کند.

۵ حذف هیات انتخاب ریسک بزرگی بود، اینکه من به عنوان دبیر مسئولیت‌های خودم را گردن هیات انتخاب بیندازم ساده‌ترین کار است. ایده من این بود که مسئولیت را گردن کسی نیندازم.

۶ ۹۸ درصد فیلم‌های ارسالی دیده و بررسی شده و از افراد زیادی هم کمک گرفتم اما امضای من پای آثار است و اگر خطایی بوده بر عهده من است.

۷ همه ما مسئول جشنواره فجر هستیم. جشنواره فجر هم به سینمای ایران اعتبار داخلی و بین‌المللی داده است، هم بازار ایجاد کرده و تمام عوامل را هم در نظر گرفته است.

۸ من دلم می‌خواست روز رومانی از پوستر، نام ۲۲ فیلم را اعلام کنم اما دائم می‌پرسیدم اگر فقط آثار ۲۲ نفر را نشان دهیم، استعدادهای جوان نادیده انگاشته می‌شود.

۹ واقعه جنگ دوازده روزه در آثار نمود جدی پیدا کرده و باعث همگرایی ما شده است.

۱۰ در شرایطی که معیشت مردم در خطرات جدی قرار گرفته است، درک کنیم که نمایش ریخت و پاش مالی جالب نیست. شما امسال می‌بینید که ضمن صرفه‌جویی تلاش کردیم تا با رعایت آداب شیک بودن، منابع مالی را کنترل کنیم.

۱۱ با توجه به جمع‌بندی ما قرار شد، پردیس ملت اختصاصی اهالی رسانه شود. کیفیت نمایش فیلم در سالن همایش برج میلاد بسیار بد است، ما تصمیم گرفتیم که پردیس ملت تبدیل به سینمای اختصاصی رسانه شود. برج میلاد، فضای محترمانه‌ای برای همکاران سینمایی و دوستان رسانه‌ای من نبود. این همه سال، پول و جابه‌جایی، نباید جایی تبدیل به کاخ جشنواره شود؟ مطالبه جدی ما ساخت یک کاخ جشنواره برای همه حوزه‌هاست.

۱۲ اینکه هنرمندی جشنواره را تحریم کند من متوجه نمی‌شوم، مگر می‌شود کسی خانه‌اش را ترک کند؟ ما با ترک خانه یا محل کار می‌توانیم چیزی را اصلاح کنیم؟ خیر مگر اینکه آن را تحویل غاصبان‌ش دهیم. در جشنواره به روی هیچ کس بسته نیست.

۱۳ نه هنرمندی را مجبور به آمدن می‌کنم نه مجبور به نیامدن. آنجا خانه‌اش است، اگر آمد قدمش به روی چشم، اگر نیامد سلامت باشد، اما بدانند الان وقت خالی کردن خانه‌ای نیست که جای ما وسط آن است.

۱۴ سینما؛ صنعت، هنر و تجارت است و رشد آن در تاریخ سینما، به خاطر تاجران بوده است. به عبارتی دیگر، تجارت باعث رونق سینما شد و بعد آن را به صنعت تبدیل کرد.



صفحه ۲

روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر

منوچهر شاهسواری
دبیر جشنواره فیلم فجر

در جستجوی گفتمان ملی



مهرسا بهادری
روزنامه‌نگار

در دولت چهاردهم همواره به بحث وفاق میان دولت و هنرمندان پرداخته شده و این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان یک هنرمند که دبیر جشنواره هم هستید

فکر می‌کنید این وفاق ایجاد شده است؟

نخست آنکه دبیری جشنواره لزوماً به معنای حضور در عرصه مدیریت دولتی نیست و این را فراموش نکنیم. نکته دوم این که جشنواره متعلق به همه مردمان این سرزمین است و هرکسی مسئولیت آن را برعهده داشته باشد به نمایندگی از مردمان این سرزمین، فیلمسازان و رسانه‌ها آنجا را اداره می‌کند. و نکته سوم؛ باید به این فکر کنیم که جشنواره فضایی است برای گفت‌وگوهای بین‌الذاتی، چون اساساً سینما یا بهتر است بگویم هنر این ظرفیت را دارد که برای ایجاد ارتباط و تعامل میان هنرمندان و مخاطبان میانجی باشد و قطعاً هنرمندان و فیلمسازان هم جزو آن هستند. جشنواره متعلق به مردم این سرزمین است و هرکسی که مسئولیت آن را برعهده می‌گیرد، به نمایندگی از مردم عمل می‌کند. فیلمسازان، رسانه‌ها و مدیران، در کنار یکدیگر، وظیفه اداره این رویداد را برعهده دارند.

سینمای ایران در سال‌های اخیر بیشتر به موضوعات اجتماعی پرداخته است از آن‌جا که شما تمام فیلم‌ها را دیدید و با کمک تعدادی از صاحب‌نظران آنها را انتخاب کرده‌اید؛ تا چه میزان تلاش داشتید که سید آثار متنوع باشد؟

ما به تنوع ژانر در سینما بسیار نیاز داریم و یکی از شاخصه‌های یک صنعت جدی مانند سینما، تنوع در آن است. امسال هم قرار است شاهد تنوع قابل توجهی در آثار باشیم و وظیفه جشنواره این است که موقعیت لازم برای نمایش این میزان از تنوع در آثار فراهم کند.

جشنواره امسال تا چه اندازه تلاش کرده تا بازتابی از موقعیت جامعه باشد؟

سینما یک پروژه نیست بلکه پروسه‌ای است که با حضور مخاطب کامل می‌شود. گاهی ما در موقعیت‌هایی قرار می‌گیریم که بین خودمان و احساسات و منافع درازمدت باید دست به انتخاب بزنیم. فیلمسازان می‌توانند در فیلم‌هایشان صدای مردم باشند. وظیفه ما این است که در هر شرایطی کنار مردم باشیم، ترک مردم و ترک خانه هیچ دستاوردی ندارد. ما باید مرهم باشیم نه اینکه نمک روی زخم مردم بپاشیم.

آیا سینما می‌تواند به مثابه گفتمان ملی عمل کند؟

بله و من این را باور دارم. سینما بدون توجه به گفتمان ملی، نمی‌تواند به مثابه بخشی از هویت ملی عمل کند؛ قطعاً در ارتباط با مخاطب دچار مشکل جدی می‌شود.



تک جمله‌هایی از نشست دبیر فجر ۴۴

- شرایطی که در جامعه ما حاکم است همدردی با بازماندگان کسانی که جان‌های خود را از دست دادند؛ اجتناب‌ناپذیر می‌کند. جان‌هایی که می‌توانست در راه رشد و پیشرفت آینده این سرزمین موثر باشد.
- از بین رفتن هر قطره خون یک ایرانی درد سنگینی است اما باید زندگی و کارکرد و خانه را حفظ کرد. خانه، سرزمین، وطن، ارزش‌ها و اعتقادات ماست و البته برای ما علاقه‌مندان سینما، خانه سینمای ماست.
- جشنواره در قالب یک رویداد ملی در همه این سال‌ها توانسته نیروهای درخشانی را به سینمای ایران اضافه کند در حوزه‌های هنری، فنی، اجرایی و... گویا باغ بزرگی است که میوه‌های خود را به آینده این سرزمین اهدا می‌کند...
- به افتخار این رویداد ملی امروز در خدمت شما هستیم، فکر کردم باید ایستاده و آغوش باز باشیم به حرمت کسانی که در هر کجایی که هستند دلشان برای این سرزمین می‌تپد و به امید روزهای پراز امید و آرامش.
- امیدوارم همه کمک کنیم این رویداد ملی به یک همبستگی و همگرایی ملی تبدیل شود و ما را کنار هم قرار دهد.
- ما کنار هم هستیم گاهی به بهانه‌های دلنشین نیاز داریم امیدوارم امروز فرصتی شود یک بار دیگر با آغوش باز کاری کنیم که آینده، برای همه مردمان سرزمین درخشان باشد. این حس قلبی و روحی من بود که باید به شما به اشتراک می‌گذاشتم...

صفحه ۳
روزنامه چهارمهر
جشنواره ملی فیلم فجر





گزیده‌ای از مضامین مطرح شده توسط ناصر تقوایی در یک گفت‌وگوی مفصل نشان‌دهنده عمق فکری، تعهد هنری و دیدگاه انتقادی او نسبت به سینما و جامعه است.

۱ سینما و هنر:

- «سینما هنر جوانی است که رشد سریعی داشته، اما هنوز راه زیادی در پیش دارد.»
- «بین سینمای آنالوگ (کلاسیک) و دیجیتال تفاوت بنیادین قائل بوده و معتقد است: «آن‌ها دو هنر متفاوت هستند.»
- «سینمای کلاسیک با فیلمسازان متفکر مانند فلینی و برگمان همراه بود، اما امروز بیشتر تکنسین می‌بینیم تا فیلسوف.»
- «هنر فرمول‌پذیر نیست و با علوم تفاوت دارد. هنر به دنبال حقیقت است، نه صرفاً ثبت واقعیت.»
- «ساختار در هنر مدرن کلیدی است؛ نه فرم. ساختار مانند فونداسیون یک بناست که دیده نمی‌شود اما کل اثر بر آن استوار است.»
- «هنر مصنوع است. هنر اختراع آدم است و آدم آن را می‌سازد.»
- «زبان یعنی همان چیزی که دو آدم در کوچه با هم حرف می‌زنند.»

۲ فیلم مستند و واقعیت:

- «در مستند، واقعیت (اتفاقاتی که می‌افتد) با حقیقت (درک و تفسیر هنرمند) متفاوت است. هنرمند باید حقیقت را از دل واقعیت استخراج کند.»
- «نریشن (گوینده متن) در مستند باید اطلاعات مکمل بدهد، نه توضیح تصاویر. نثر نریشن باید ساده، روان و سریع‌القا باشد.»
- «مستند «باد جن» مثال خوبی است؛ ثبت مراسم درمان بیماری‌های روانی با موسیقی در جنوب ایران. تقوایی تأکید دارد که «این مراسم واقعی بوده و برای دوربین بازسازی نشده است.»

۳ اقتباس سینمایی و ادبیات:

- «اقتباس سینمایی از ادبیات باید چیزی فراتر از اثر اصلی خلق کند، نه ضعیف‌تر از آن.»
- «فیلمنامه با داستان متفاوت است: فیلمنامه یک متن تخصصی برای گروه فیلمسازی است و هر جمله آن خطابی به یک بخش (بازیگر، طراح صحنه، صداگذار و...) دارد.»
- «دیالوگ در سینما باید مبتنی بر محاوره واقعی باشد، نه نثر ادبی. دیالوگ‌های ادبی هنگام بلند خواندن اغلب مصنوعی به نظر می‌رسند.»
- «تبدیل شعر به فیلم را بسیار دشوار می‌دانم، چون شعر «عینیت را به ذهنیت تبدیل می‌کند» و سینما برعکس.»
- «وقتی اقتباس می‌کنیم می‌خواهیم اثری فراتر از اصلش بسازیم.»

۴ جامعه و فرهنگ:

- «نداشتن سلیقه نشانه جامعه عقب افتاده است و معتقدم جامعه ایرانی به «ضد سلیقه» تبدیل شده است.»
- «بر ثبت زندگی واقعی و مسائل اجتماعی با دوربین‌های دیجیتال تأکید می‌کند: «در دورانی که این ابزار در اختیار بچه‌های ما نبوده، آگاهی‌ها و تصاویر بیشتری داریم تا امروز.»
- «به تنوع قومی و زبانی ایران به عنوان یک ثروت فرهنگی نگاه می‌کند و مخالف حذف گویش‌های محلی است.»
- «زبان فارسی را زبانی توانمند می‌داند که به دلیل بهره‌گیری از واژه‌های زبان‌های دیگر (ترکی، عربی و...) غنی شده است.»

۵ خلق اثر و تعهد هنری:

- «برای تقوایی سینما از هر چیز دیگری مهم‌تر است (حتی ملاقات با احمد شاملو در حین فیلمبرداری).»
- «به دقت و سواس گونه در کار اعتقاد دارد (مانند جابه‌جا کردن یک ویولن به اندازه یک چوب کبریت).»
- «معتقد است اگر نیت پاک باشد، «زمین و زمان دست به دست هم می‌دهند» تا کار به سرانجام برسد.»
- «مفهوم کار در جامعه ایرانی را ناشناخته می‌داند و ساعت‌های طولانی کار بدون حاصل را نشانه بی‌کاری پنهان می‌خواند (مانند رانندگی‌های بی‌پایان در تهران).»

سینما به روایت «ناصر تقوایی»

روی کاغذ بی خط



ناصر تقوایی، نامزد
جایزه بهترین
کارگردانی برای «ناخدا
خورشید» و برنده
سیمرغ بلورین
بهترین فیلم برای
«کاغذ بی خط» از
ادوار جشنواره فیلم
فجر بوده است.



فیلمنامه‌های برتر ادوار فجر چه بودند؟ چرا جایزه گرفتند؟ ۱

نجات، انتقام؛ عشق و فداکاری

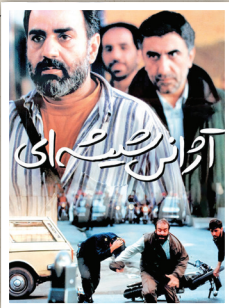
به چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر رسیده‌ایم. در این سال‌ها داستان‌های بسیاری گفته شده است. برخی از آن‌ها قهرمان‌های ماندگاری خلق کرده‌اند، قهرمان‌هایی که در تاریخ سینمای ایران جاودانه شده‌اند. افرادی که این داستان‌ها را به فیلمنامه و در مواردی به فیلم تبدیل کرده، گاهی از زیست شخصی خود و گاهی از قدرت تخیل‌شان استفاده کرده‌اند. آن‌ها قهرمان‌های خود را به جدال‌های درونی و بیرونی برده‌اند. جدال‌هایی که برای مخاطب پرسشی اساسی ایجاد می‌کنند. چه کسی پیروز خواهد شد؟ و فیلمنامه‌نویسان با ایده‌های ناظر خود به این پرسش پاسخ خواهند داد. نام این فیلمنامه‌نویسان و آثارشان در تاریخ جشنواره فیلم فجر ثبت شده است. در این گزارش با توجه به اهمیت داستان‌گویی در سینما و ارزش نهادن به مدیوم فیلمنامه بر آنیم که نگاهی به آثار آن‌ها داشته و ایده اولیه، پیچش داستانی، پیرنگ و ایده ناظرشان را معرفی کنیم.

محراب توکلی



صفحه ۵

روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر



نام فیلم: آژانس شیشه‌ای
محصول: ۱۳۷۶
برنده سیمرغ بلورین شانزدهمین
جشنواره فیلم فجر
فیلمنامه‌نویس: ابراهیم حاتمی‌کیا

بازیگران: پرویز پرستویی، حبیب رضایی، رضاکیانیان

خلاصه داستان: «آژانس شیشه‌ای» درباره یک رزمنده سابق جنگ ایران و عراق به نام عباس حیدری است که بر اثر جراحت جنگی در آستانه مرگ است. هم‌رزم سابقش، حاج کاظم، تصمیم می‌گیرد عباس را برای معالجه فوری به لندن ببرد ولی کارها طوری پیش می‌رود که آن‌ها موفق نمی‌شوند هزینه بلیت هواپیما را سر وقت تأمین کنند. حاج کاظم، که مرگ عباس را بر نمی‌تابد، برای نجات او دست به گروگان‌گیری در آژانس هواپیمایی می‌زند.

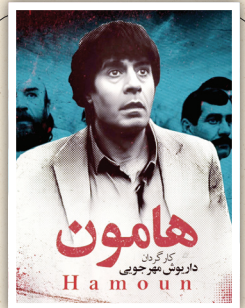
ایده اولیه: چه می‌شود اگر یک رزمنده سابق جنگ هشت‌ساله برای نجات جان هم‌رزم خود، افراد حاضر در یک آژانس هواپیمایی را گروگان بگیرد؟

پیرنگ: نجات، انتقام

پیچش داستانی: حاج کاظم مرگ صاحب آژانس را صحنه‌سازی می‌کند. دوست او، عباس حیدری از قلب حاج کاظم خبر ندارد. بنابراین دچار شوک شده و حالش وخیم می‌شود.

ایده ناظر: حاج کاظم پیروز نمی‌شود چرا که قدرت او از سرنوشت کمتر است!

نام فیلم: هامون
محصول: ۱۳۶۸
برنده سیمرغ بلورین هجدهمین
جشنواره فیلم فجر
فیلمنامه‌نویس: داریوش مهرجویی



بازیگران: خسرو شکیبایی، بیتا فرهی، عزت‌الله انتظامی، حسین سرشار

خلاصه داستان: حمید هامون که پیوسته با همسرش مهشید کشمکش دارد، زندگی کابوس‌گونه خود را بازنگری می‌کند. او که سرگرم نوشتن سخن‌نامه‌ای درباره عشق و ایمان است و راه‌های مختلفی را در پی دستیابی به چشم‌اندازش جست‌وجو می‌کند، دنبال دوست دیرین و راهنمایش علی عابدینی می‌گردد. خانه و کاشانه را رها می‌کند و در مسیر جست‌وجوی بلندپروازانه ذهنی خود برای یافتن پاسخ‌هایش، دست به کارهای دیوانه‌واری می‌زند.

ایده اولیه: چه می‌شود اگر رابطه زناشویی یک مردمانتیک به خطر بیفتد؟

پیرنگ: تغییر، عشق، کشف

پیچش داستانی: حمید هامون در بیمارستان متوجه خیانت همسرش می‌شود.

ایده ناظر: عاقبت عشق نابودی است زیرا یار جفاکار است.

نام فیلم: شیرسنگی
محصول: ۱۳۶۵

برنده سیمرغ بلورین پنجمین جشنواره فیلم فجر

فیلمنامه‌نویس: مسعود جعفری جوزانی

بازیگران: علی نصریان، عزت‌الله انتظامی، علیرضا شجاع‌نوری، ولی‌الله شیراندازی، اصغر همت، حمید جیلی، سحر جعفری جوزانی، احمد هاشمی

ایده اولیه: چه می‌شود اگر قتل یک سرباز بیگانه در کشور، جنگی تمام عیار به پا کند؟

پیرنگ: نجات، فداکاری



خلاصه داستان: داستان فیلم از قتل مشکوک یک سرباز انگلیسی در کنار لوله‌های نفت مناطق بختیاری‌نشین شروع می‌شود و با انگشت اتهام به سوی «کوهیار» فرزند سرکرده طایفه که چادرنشین و گله دار هستند؛ ادامه می‌یابد. به اصرار انگلیسی‌ها و با پا درمیانی خان قلعه نشین، کشمکش برای جلب او ادامه پیدا می‌کند. کوهیار خود را معرفی کرده و دستگیر می‌شود. هنگام نجات کوهیار...
پیچش داستانی: علی‌یار و هم‌زمانش تصمیم به نجات کوهیار می‌گیرند...

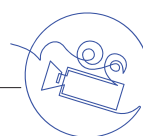
ایده ناظر: عاقبت پاک‌بازی در راه وطن جاودانگی است، زیرا انسان بزرگ‌ترین دارایی‌اش، یعنی جان‌ش را فدا کرده است.



خارج از مسابقه

نگرهبانان خورشید

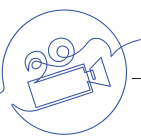
کارگردانان: عماد رحمانی - مهرداد محرابی، تهیه‌کننده: مهدی جعفری‌جوزانی، نویسندگان: مهدی جعفری، میثم عبداللهی، محمدرضا مصطفوی‌راد، بازیگری: فیلمنامه: عماد رحمانی، رضا فراهانی، مدیر تولید: معین کریمی، کارگردان فنی و هنری: بنیامین شجاعی باغینی، آهنگسازان: آرش بابایی، شاهین پژوهان، سرپرست انیمیشن: ایمان کریمی، سرپرست جلوه‌های ویژه: امیر صفائی، سرپرست گویندگان: امیرحسین صفایی، سرپرست مدلسازی سه‌بعدی: علی واحدی، تدوین: جلیل ایرانی، سرپرست گویندگان: امیرحسین صفایی، صداگذاری و میکس: علی عبادزاده، امیرحسین شمس کلائی، ترانه سرایان: امیرحسین صفایی، سیدعلی برقی، خلاصه داستان: پسرچه‌ای ۹ ساله با شمشیر چوبی، در یک محوطه باستانی، ناخواسته مقابل قاچاقچیان آثار تاریخی می‌ایستد و در ماجرای شاد و موزیکال، درمی‌یابد که قهرمانی از شجاعت می‌آید، نه از قدرت.



مسابقه/فیلم اول

غوطهور

کارگردان: محمد جواد حکمی، تهیه‌کننده: سعید پروینی/ محمد حسین هاشمی گلپایگانی، بازیگران: محسن قصابیان، آیدا ماهیانی، مهران غفوریان، مسعود کرامتی، پیام احمدی‌نیا، محیا دهقانی، رویا جاویدنیا، نسیم ادبی، مهرداد ضیایی، سیاوش چراغی‌پور، نویسنده فیلمنامه: محمد جواد کتابی، مدیر فیلمبرداری: پویان آقابابایی، تدوین: حمید نجفی‌راد، طراحی و ترکیب صدا: رامین ابوالصدق، موسیقی متن: امیر توسلی، مدیر صداپردازی: سامان شهامت، مدیر تولید: ابوالفضل کوچکیان، طراح صحنه: رباعه اسماعیلی، طراح چهره پردازی: امید گلزاده خلاصه داستان: حسن کارخانه، افسر میانسال و کهنه‌کار، در پی برخوردی تصادفی با زنی مرموز، مرتکب خطایی بزرگ می‌شود. پیگیری‌های او دربار این زن، به تدریج پرده از ابعاد تاریک و پنهان زندگی‌اش برمی‌دارد.



مسابقه

غبار میمون

تهیه‌کننده: سعید مرادی، کارگردان، تدوین‌گر: آرش معیریان، نویسنده: امیر بوالی، طراح صحنه: حسین مجد، جلوه‌های رایانه‌ای: امیر ولی‌خانی، مدیر فیلمبرداری: مجید گل‌سفیدی، طراح لباس: نسرين پورجوادخواه، مدیر تولید: حسین باقریان، طراح گریم: شهرام خلج، مدیر صداپردازی: محمد مرتضایی، صداگذار: حسین ابوالصدق، آهنگساز: امیر توسلی، مدیر دوبلاژ: شیدا آریز، بازیگران: علی دهکردی، پژمان بازغی، بیابنا محمودی، لیلا زارع، ایرج نوذری، مهرداد ضیایی، سیدمهرداد ضیایی، پیام احمدی‌نیا، بهار نوحیان، رامین ناصر نصیر، آسو پاشاپور، ارسلان قاسمی، سحر مولایی، بهراد خرازی، حسین نورعلی، بهروز پناه‌هنده، قربان نجفی، ندا قاسمی.

خلاصه داستان: حکمت وزیدن باد، رقص شاخه‌هانیست، آزمون ریشه‌هاست.



چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر، برخلاف سال‌های گذشته، تنها میزبان انیمیشن «نگهبانان خورشید» به کارگردانی عماد رحمانی، مهرداد محرابی و تهیه‌کنندگی مهدی جعفری جوزانی است که در بخش خارج از مسابقه و در اولین سانس از نخستین روز جشنواره در سینمای رسانه‌ها به نمایش درمی‌آید. جعفری جوزانی که تهیه‌کننده انیمیشن‌هایی مانند «شمشیر و اندوه» و «افسانه سپهر» است، این بار قصه ساخت «نگهبانان خورشید» را روایت می‌کند.

❖ با توجه به پیشرفت‌های سالانه تکنولوژی و ایده‌پردازی در حوزه انیمیشن، «نگهبانان خورشید» امسال چه اتفاق جدیدی را برای مخاطب جست‌وجوگر رقم می‌زند؟

چیزی که امسال اثر ما را متمایز می‌کند، روایت معاصر آن است؛ داستانی که در عصر امروز رخ می‌دهد و لزوماً به تاریخ یا افسانه‌های دور مربوط نمی‌شود. این رویکرد، چالش‌های خاص خود را دارد، به خصوص وقتی بخواهیم داستان شهری با قهرمانان نوجوان و اتفاقاتی را که رقم می‌زنند، روایت کنیم.

مساله مهم دیگر، نشان دادن میزان علاقه نوجوانان ایرانی به حفظ میراث فرهنگی و ثروت ملی کشور است. ما هم روایتی در عصر معاصر داریم و هم از نظر تکنیکی و کیفیت بصری، رشد قابل توجهی داشته‌ایم.

❖ در دوره چهل و سوم انیمیشن «افسانه سپهر» به تهیه‌کنندگی شما در جشنواره حضور داشت که محوریت آن یوز ایرانی بود. آیا در این اثر نیز از نمادها و المان‌های مشابه «افسانه سپهر» یا افسانه‌های تاریخی ایران استفاده کرده‌اید؟

اصالت امضای ایران، همیشه در کارهای ما وجود دارد. در «نگهبانان خورشید»، ما با اشاره به یک افسانه ایرانی، قهرمانان را در عصر معاصر معرفی می‌کنیم؛ قهرمانانی که تلاش می‌کنند از ثروت، میراث فرهنگی و تاریخ ایران محافظت کنند. این رویکرد، اساساً در راستای حفظ و معرفی داشته‌های فرهنگی ماست.

❖ باتوجه به هزینه‌های تولید انیمیشن، برنامه شما برای فروش اثر و بازگشت سرمایه چیست؟

در بحث بازگشت سرمایه، اگر فقط به اکران داخلی اکتفا کنیم، قطعاً اشتباه بزرگی مرتکب شده‌ایم. سرمایه‌گذاری روی انیمیشن، با اتکا به گیشه داخلی، درست نیست. چرا که ما هر قدر هم موفق باشیم، با توجه به شرایط گیشه و سینما داران، نمی‌توانیم سود ویژه‌ای حاصل کنیم. اما فرصت استثنایی که انیمیشن ایرانی دارد، مربوط به اکران بین‌المللی و فروش در بازارهای جهانی است. حضور در جشنواره‌های جهانی و اکران‌های بین‌المللی، این فرصت را به ما می‌دهد تا بتوانیم بازگشت سرمایه قابل توجهی داشته باشیم. انیمیشن محدودیت‌های کمتری نسبت به فیلم‌های زنده دارد و فرصت بسیار خوبی برای عرضه آثارمان در خارج از کشور فراهم می‌کند که جنبه اقتصادی و مالی آن را بسیار امیدوارکننده است.

❖ امسال شاهد کاهش چشمگیر آثار ارسالی به جشنواره انیمیشن بودیم و متوجه شدیم سازندگان نتوانستند کار را برسانند. در حوزه انیمیشن این نرسیدن‌ها به چه دلیل رخ می‌دهد؟

بله، متأسفانه امسال تعداد آثار ارسالی به جشنواره نسبتاً کم بود. من خودم هم جزو معدود سازندگانی هستم که توانستم سه سال متوالی در جشنواره حضور پیدا کنم و امسال، به نوعی تنها شدم. دلیل این اتفاق را دقیقاً نمی‌دانم، اما از ثبت نام چهار انیمیشن دیگر در جشنواره فجر اطلاع داشتم که متأسفانه کارهایشان به موقع نرسید. اینکه چرا انیمیشن‌ها احتمال کمتری برای رسیدن

دارند دلایل متعددی دارد. مشکلات زیرساختی، مسائل مربوط به اینترنت و چالش‌های مالی و اقتصادی که اغلب پروژه‌ها با آن درگیر هستند، می‌توانند دلایلی باشند که مانع حضور به‌موقع آثار در چنین رویدادهای مهمی می‌شوند. از قبل برای آماده‌سازی اثر و حضور در جشنواره برنامه‌ریزی کرده بودیم و چون کارمان به دقیقه ۹۰ نرسیده بود، فرایند آماده‌سازی مشکلی نداشت. هرچند، تنهایی در این مسیر و خارج از فضای رقابتی، حس خوبی ندارد و چندان جالب نیست.

❖ شما اشاره کردید که پروسه ساخت انیمیشن بسیار زمان‌بر است، اما سه سال است که شاهد حضور شما و تیمتان در جشنواره فیلم فجر هستیم. با توجه به همکاری‌های قبلی شما، با عماد رحمانی و مهرداد محرابی به عنوان کارگردان، چگونه می‌توانید هر سال یک اثر به جشنواره معرفی کنید؟

یک کارخانه صنایع سرگرمی داریم که بستری برای تولید انیمیشن‌های ماست. این کارخانه خط تولید مشخصی دارد. وقتی خط تولید تعریف می‌شود، روند کاری به این صورت است که دیپارتمان‌های مختلف، مانند طراحی شخصیت یا طراحی کانسپت، وظایف خود را برای هر پروژه انجام می‌دهند. به محض اتمام وظایف یک پروژه، وظایف پروژه بعدی بر دوش تیم قرار می‌گیرد. اگر هر پروژه را به صورت جداگانه در نظر بگیریم، میزان نیروی انسانی و زمان لازم برای آن بین ۱۸ ماه تا دو سال است. اما پروژه‌ها را به صورت موازی پیش می‌بریم. این مدل به ما اجازه می‌دهد تا هر سال یک اثر را برای حضور در جشنواره آماده داشته باشیم.

ما یک کارخانه صنایع سرگرمی داریم که بستری برای تولیدات انیمیشن ماست. این کارخانه خط تولید مشخصی دارد. وقتی خط تولید تعریف می‌شود، روند کاری به این صورت است که دیپارتمان‌های مختلف، مانند طراحی شخصیت یا طراحی کانسپت، وظایف خود را برای هر پروژه انجام می‌دهند.



گفت‌وگو با مهدی جعفری جوزانی تهیه‌کننده انیمیشن سینمایی «نگهبانان خورشید» روایت معاصر از هویت ایرانی

گفت‌وگو

با محمد جواد حکمی، کارگردان فیلم سینمایی «غوطه‌ور»

سینمای جان‌دار

محراب توکلی



روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر
صفحه ۸

که در طول روز درگیر شغل و کار خود است - می‌تواند شب‌ها در ایام جشنواره به سینما برود و با تماشای این فیلم به آن فکر کند. مخاطب جدی سینما فقط برای سرگرمی نمی‌آید. دوست دارد مساله‌ای را از زاویه دید جدید ببیند. «غوطه‌ور» تلاش کرده سینمای مساله‌محور را به مخاطب نزدیک کند و نمایش دهد.

با این تفاسیر می‌توانید ویژگی‌های ژنریک فیلم «غوطه‌ور» را بیان کنید؟

فیلم ما یک درام پلیسی است. شبیه به آن‌هایی که قهرمان قصه به شکل دومینو موانع را پشت سر گذاشته و پازل‌های مختلف را کنار هم می‌گذارد تا به ایستگاه پایانی قصه برسد. البته تفاوتی با الگوهای رایج ژانر جنایی در این فیلم وجود دارد که هنگام تماشا مشخص می‌شود.

در صحبت‌هایتان به شهر تهران اشاره کردید. نام فیلم کوتاه شما هم «متولد تهران» بود. چه ارتباطی میان شما و شهر تهران وجود دارد؟

تهران به مثابه پایتخت یا شهری که در آن زندگی می‌کنیم واجد اهمیت است؛ وگرنه ارتباط خاصی با این شهر ندارم. اما اعتقاد دارم فیلمی که می‌سازیم باید برای حال فعلی جامعه باشد. نمی‌توانم فیلمی بسازم که جامعه امروز با موضوعات آن درگیر نباشد. فیلم‌ساز باید به دغدغه‌ها و موضوعاتی که جامعه با آن‌ها حرف می‌زند، بپردازد. من صرفاً از باب اتفاقات پیرامون محل زندگی‌ام به آن می‌پردازم چرا که نمی‌توانم نسبت به آن بی‌تفاوت باشم. دوست دارم راجع به آن صحبت کنم و اگر چیزی می‌فهمم - از زاویه نگاه دینی و طلبگی‌ام - در قالب تصویر با مخاطب به اشتراک بگذارم.

با توجه به وضعیت گیشه در سال‌های اخیر و موفقیت بیشتر کمدی‌ها، چرا ژانر جنایی و غیرکمدی را انتخاب کردید؟

اگر مساله‌ای می‌خواهد مطرح شود، گونه‌های مختلفی از سینما برای آن وجود دارد. من نیز به عنوان کارگردان سعی کردم یکی از این گونه‌ها را به مخاطب عرضه کنم. عوامل سازنده وظیفه دارند مدل‌های مختلف فیلم را عرضه کنند تا مخاطب تصمیم بگیرد چه فیلمی ببیند. معتقدم فیلم‌ساز بودن یعنی ایجاد تنوع گونه‌ها برای مخاطب. مخاطب در نهایت انتخاب می‌کند کمدی می‌خواهد یا ژانرهای دیگر.

در جایی از صحبت‌های خود به سینمای دینی اشاره کردید. نسبت شما با این سینما چیست؟

سینمای دینی برای من فیلمی است که نسبت به موضوعات اجتماعی از منظر دینی حرف بزند. نه اینکه حتماً بخوند یا مداح جلوی دوربین باشد. سینمای دینی پرداخت کارشناسی‌شده دینی نسبت به موضوعات مختلفی همچون خانواده، سرقت، قتل، رشوه، مسائل سیاسی، فرهنگی یا حتی ورزشی است. فیلم‌هایی که با نگاه دینی ساخته می‌شوند حتی اگر یک شخصیت روحانی جلوی دوربین نباشد. مانند برخی آثار که رنگ و بوی توحید و دین در کل اثر تنیده شده است، مانند فیلم «دیده‌بان» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا. در ادامه باید بگویم که قرآن نیز قصه‌های مختلفی گفته است، اما با نگاه درست خود! وظیفه ما در سینما این است که با نگاه دینی راجع به موضوعات حرف بزنیم و نگاه اسلام را به مخاطب برسانیم. من اگر بخوندم، روی منبر حرف خدا را می‌زنم. اگر فیلم می‌سازم، در قالب فیلم حرف خدا را می‌آورم.

سخن پایانی...

امیدوارم جشنواره کارکرد خود را داشته باشد. در نهایت مردم و مخاطب تصمیم‌گیرنده هستند. فیلم‌ها باید عرضه شوند تا عیارشان توسط مخاطبان، منتقدان، دانشجویان و اقشار مختلف سنجیده شود. امیدوارم حال همه خوب باشد. فیلم‌ها دیده شوند و جشنواره با شکوهی در پیش رو باشد.



با چه دغدغه‌ای فیلم سینمایی «غوطه‌ور» را ساختید؟

«غوطه‌ور» یک فیلم جنایی است که سوژه آن به یکی از معضلات اجتماعی جدی مربوط می‌شود. قصه‌ای که در روزمرگی‌های شهر تهران می‌گذرد و تلاش می‌کند به یکی از معضلات اجتماعی مهم از منظر متفاوت نگاه کند. اصالت سینما همین است که برخی مشکلات اجتماعی یا اتفاقات را از زاویه‌ای مطرح کند که کمتر دیده یا به آن پرداخته شده است. این کار در پیچه‌ای به سوی مخاطب باز می‌کند تا به بحرانی اجتماعی از منظر تازه بنگرد. رسالت سینما، به‌ویژه فیلم‌هایی که اندیشه و دغدغه‌ای نسبت به مسائل پیرامون دارند، همین است. «غوطه‌ور» نیز تلاش کرده مساله‌ای را از زاویه‌ای نو به مخاطب نشان دهد.

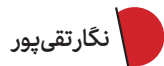
ابتدای صحبت‌های خود به گونه فیلم «غوطه‌ور» اشاره کردید. در نتیجه یکی از ویژگی‌های این فیلم هدف‌گذاری ژنریک است. بله؟

طبیعتاً طرفدار این هستم که ژانرها در سینما بهای بیشتری ببینند. چه از سوی مؤسسات و نهادهای چه از سوی مخاطب. مخاطب باید عادت کند که ما فقط فیلم کمدی نداریم. فیلم‌هایی وجود دارند که گونه‌های مختلفی از سینما را به او عرضه می‌کنند. پلیسی، جنایی، رازآلود. مخاطب دوست دارد چنین آثاری ببیند، تعلیق را تجربه کند و در پایان به تصمیمی برسد. این بسیار مهم است که با سینمایی جان‌دار طرف باشیم. علاوه بر این، فیلم صرفاً یک مساله روز تهران نیست بلکه بحرانی را نشان می‌دهد که مخاطب - حتی کسی

سینمای دینی برای
من فیلمی است که
نسبت به موضوعات
اجتماعی از منظر دینی
حرف بزند. نه اینکه
حتماً آخوند یا مداح
جلوی دوربین باشد.
سینمای دینی پرداخت
کارشناسی‌شده دینی
نسبت به موضوعات
مختلف است.

گفت‌وگو با سعید مرادی، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «غبار میمون»

ورود به جنگ در روز بیستم



سعید مرادی، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «غبار میمون» به کارگردانی آرش معیریان است. مرادی در سینما، تلویزیون و مدیوم فیلم کوتاه تجربه‌های متعدد و متفاوتی داشته است. فیلم سینمایی «غبار میمون» چهارمین همکاری سعید مرادی با آرش معیریان، استاد دانشگاه و کارگردان باتجربه سینماست. او در این گفت‌وگو درباره چالش‌های تولید و ساخت «غبار میمون» صحبت کرد.

مسیر همکاری با آرش معیریان به چه صورت بود و چگونه به پیش‌تولید، تولید، توزیع به جشنواره رسیدید؟

نزدیک یک سال و نیم قبل، ایده اولیه و طرح فیلم سینمایی «غبار میمون» را مورد بررسی قرار دادیم. می‌دانستیم که قرار است حال و هوای فیلم چگونه باشد و دغدغه‌مان چیست. دغدغه سیاسی-امنیتی داشتیم. برای اینکه ایده و طرح اولیه به خروجی برسد، به دنبال یک نویسنده بودیم. با تعداد زیادی از نویسندگان که در این حال و هوا فعالیت داشته‌اند، صحبت کردیم. در نهایت با آقای امیربوالی به نتیجه رسیدیم و با ایشان قرارداد نگارش فیلمنامه را بستیم. یک سال و نیم پژوهش و نگارش کار طول کشید. در ادامه از آنجا که با آقای معیریان همکاری‌های مختلفی داشته‌ام و او در سینما و تلویزیون شناخته شده بود، تصمیم بر این شد که کارگردانی فیلم را به ایشان بسپاریم. با حضور او پیش‌تولید را آغاز کردیم. ۲۰ روز از پیش‌تولید گذشت که جنگ ۱۲ روزه با رژیم صهیونیستی آغاز و در نتیجه فرآیند پیش‌تولید متوقف شد.

در ادامه روند کار به چه صورت بود؟

پس از جنگ بازیگران فیلم از پروژه انصراف دادند. مجبور شدیم که پیش‌تولید را از سر گرفته و با بازیگران دیگری وارد مذاکره شویم و با آن‌ها قرارداد ببندیم. از طرفی برخی از بازیگران ما خارجی‌زبان و از کشورهای اوکراین، آفریقا و ارمنستان بودند و این افراد در زمان جنگ ۱۲ روزه از ایران رفتند و باید منتظر می‌ماندیم که آن‌ها بازگردند تا در مسیر پیش‌تولید و تولید قرار گیرند.

یعنی بازیگران ایرانی از پروژه انصراف دادند؟

بله. از این رو مجبور شدیم که با بازیگران دیگری کار را پیش ببریم. البته در کنار بازیگران برخی از عوامل پشت دوربین نیز بعد از جنگ از فیلم سینمایی «غبار میمون» کناره‌گیری کردند. در نتیجه برای اینکه کار با مشکل مواجه نشود، با عوامل تازه‌ای در پشت دوربین کار را پیش بردیم. نکته دیگری که حائز اهمیت بود، مجوزهایی بودند که برای تولید گرفته بودیم و تاریخ مشخصی داشت. خدا را شاکرم که سرعت و دقت آقای معیریان باعث شد مشکلی جدی برای کار پیش نیاید.

فیلمی با حال و هوای «غبار میمون» چه سرنوشتی در اکران خواهد داشت؟

به عقیده من سینما رنگین‌کمانی از ژانرهاست. هر گونه سینمایی مخاطب خاص خود را دارد. فیلم ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. قطع به یقین هر فیلمی در مسیر تولید، توزیع، پخش و اکران مراقبت می‌خواهد و ما تمام سعی خود را می‌کنیم که در این مسیر موفق باشیم. یک نکته دیگر را در نظر داشته باشید که شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی کشور نیز در این روزها حائز اهمیت است و ما فیلمی بین‌المللی ساخته‌ایم. بنابراین ما آگاهانه و با اختیار کامل سعی کردیم که یک فیلم غیرکمدی و جدی به نام «غبار میمون» بسازیم. فیلمی که قرار است پس از حضور در فجر در جشنواره‌های متعدد دیگری هم حضور پیدا کند. با این تفاسیر فیلم



ما می‌تواند مخاطب خاص خود را پیدا کند.

چالش‌های شما به عنوان تهیه‌کننده کار چه بود؟

همانطور که گفتم، به خاطر جنگ تمام برنامه‌ریزی‌های ابتدایی ما دستخوش تغییر شد. به همین خاطر باید در زمینه انتخاب بازیگر به افرادی رجوع می‌کردیم که به شخصیت‌های داستان و فیلم‌نامه نزدیک باشند. خدا را شاکرم که این اتفاق به نحو احسن صورت گرفت. اگر فیلم را ببینید متوجه می‌شوید که آقای پژمان بازغی یکی از متفاوت‌ترین نقش‌های خود را ایفا کرده است. آقای دهکردی نیز به همین ترتیب یکی از بهترین نقش‌هایشان را طی سال‌های اخیر بازی کرده‌اند. در ادامه تلاش کردیم که بازیگران جوانی به سینمای ایران معرفی کنیم. خانم سحر مولایی پور یکی از این افراد بود. یکی از چالش‌های دیگری که در تهیه وجود داشت به مرحله آماده‌سازی فیلم مربوط می‌شود. به خاطر قطعی اینترنت کمی از کیفیت بصری فیلم کاسته شد.

آقای مرادی، به عنوان یک تهیه‌کننده، وضعیت تهیه و تولید در سال‌های اخیر سینمای ایران را چگونه ترسیم می‌کنید؟

تهیه‌کنندگی از جمله صنف‌هایی است که در تمام دنیا با سلسله مراتب خاصی تعریف می‌شود. زیرا این حوزه از جمله تخصصی‌ترین اجزای ساخت و تولید یک فیلم است. اساساً در همه جای جهان برای این صنف یک نظام مشخصی تعیین شده است. در سینمای ایران چنین نظامی به طور دقیق ساخته نشده و حضور برخی افراد که تخصص چندانی در این کار ندارند، جای تأسف دارد. اساساً حضور برخی افراد در این حوزه باعث بدنامی مقام و جایگاه تهیه‌کننده شده است. یک تهیه‌کننده حرفه‌ای باید استراتژی ساخت و تولید را بداند. با سینما، درام، فیلم‌نامه و مختصات این هنر آشنا باشد. یک تهیه‌کننده حرفه‌ای باید ارتباطی قوی با بدنه سینما داشته و روابطش با بدنه حاکمیت و دولت در ادوار مختلف خوب باشد. تهیه‌کننده مهره اصلی در مدیریت منابع اقتصادی است در نتیجه او باید در بزرگراه‌های اقتصادی تصمیمات سرنوشت‌سازی برای پروژه‌ای که در آن حضور دارد، بگیرد. متأسفانه در سال‌های اخیر چنین فردی کمتر در سینمای ایران دیده شده است. فردی که بتواند نویسنده، کارگردان، فیلم‌بردار و عوامل دیگر ساخت را با هوشمندی و دقت عمل انتخاب کند. وقتی هرکس با پول و سرمایه تبدیل به تهیه‌کننده می‌شود، باید ابراز تأسف کرد. به عقیده من باید به تهیه‌کننده همچون جراح، خلبان و دیگر شغل‌های تخصصی نگاه کرد.



پس از جنگ

بازیگران فیلم از

پروژه انصراف دادند.

ما مجبور شدیم که

پیش‌تولید را از سر

گرفته و با بازیگران

دیگری وارد مذاکره

شویم و با آن‌ها

قرارداد ببندیم. به

عقیده من سینما

رنگین‌کمانی از

ژانرهاست و هر گونه

سینمایی مخاطب

خاص خود را دارد.

فیلم ما نیز از این

قاعده مستثنی نیست



پنجم دی ماه ۱۴۰۴؛ انتشار خبر درگذشت

استاد بهرام بیضایی، بازگشت به گذشته و مرور یک فقدان.

علامت سوالی مدام روشن و خاموش می‌شود. نمی‌توان بی‌تفاوت از کنارش

گذشت. پس، بودنش را به رسمیت می‌شناسم. سوال‌هایی که مدت‌ها بدون پاسخ

روشن در گوشه ذهن بمانند، خواه ناخواه سرانجام روزی به طور جدی طرح می‌شوند. ممکن

است به هر دلیلی پاسخ روشنی هم برایشان نداشته باشیم. اما گریزی از طرح‌شان نیست. بنابراین می‌کوشیم

برایشان پاسخی در خور فراهم آوریم تا روند پرسش‌گری به بن‌بست نرسد. پاسخ ما می‌تواند هم راه‌گشا باشد و

نور بتابد به زوایای تاریک و هم از سررفع تکلیف در خوشبینانه‌ترین حالتش فقط سایه روشن بسازد و تمام.

● آخرین اثر استاد «وقتی همه خواب بودیم» در سال ۱۳۸۷ ساخته شد و او دیگر فیلمی نساخت در حالی که طرح‌ها و

فیلمنامه‌های فیلم نشده بسیاری داشت. بهرام بیضایی ۱۷ سال دیگر هم فیلم نساخت و حالا آن سوال ناگزیر: این اتفاق

تلخ و مهم در سینمای ایران بدون شک سودی که نداشته است ولی زیانش چقدر بوده و چگونه محاسبه می‌شود؟

● بهرام بیضایی از ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۷، فقط ۱۰ فیلم بلند کامل ساخت. در این سال‌ها تعداد زیادی نمایشنامه و فیلمنامه و اثر تحقیقی

نوشت و چاپ کرد. به سراغ تدوین هم رفت اما مجال کارگردانی مستمر پیدا نکرد. فیلمنامه «روز واقعه» اش را کارگردان دیگری جلوی

دوربین برد که به اثری مثال زدن و یگانه درباره واقعه عاشورا تبدیل شد.

● او با همه دغدغه‌های گران‌سنگش درباره تاریخ و اسطوره‌های ایران زمین و تلاش برای همراهی سنت و الزامات عصر حاضر و تجربه‌های

منحصر به فرد نوشتن و

کارگردانی نمایش، به سینما

آمد و گنجینه‌هایی برآمده

از ادبیات و هنرهای نمایشی را

به تاریخ سینمای ایران هدیه

داد. صاحب سبک و اعتبار

شد، تاثیر گذاشت. سینماگر و

یک عمر با «بهرام بیضایی» و افسوس برای ۱۷ سال آخر

وقتی همه خواب بودیم

نویسنده تربیت کرد. گزیده کار کرد. ولی فاصله‌های طولانی میان تولید آثارش، ناشی از ضرورت‌ها و گزینش بهترین‌ها نبود.

● او با سبک خاص نوشتاری و بصری‌اش، دنیایی خلق کرد که در سینمای ایران یگانه بود. اما در جاهایی، حلقه‌های اتصال این دنیای

منحصر به فرد که رفته رفته به تعداد مخاطبان‌ش افزوده می‌شد، ناخواسته و در آستانه تجلی، راهی به عرصه وجود پیدا نمی‌کردند

و آنچه بهرام بیضایی به آن می‌اندیشید و قصد داشت به توالی و با برنامه جلوی دوربین ببرد و با مخاطبان‌ش به اشتراک بگذارد، در

چرخه‌های واقعی و قابل درک قرار نمی‌گرفت. نگاه تلخ و نقادانه بیضایی به مسائل اجتماعی و حتی سینمای ایران، در دو فیلم

آخرش نشان از اعتراض سینماگری داشت که نمی‌خواست مدام شبیه آنچه از او می‌خواهند، فیلم بسازد.

● بهرام بیضایی در سال ۱۳۵۰ «رگبار» را می‌سازد. اثری که در شرایط خاص اجتماعی اوایل دهه ۴۰، روایتی از زندگی

اجتماعی یک نسل را با دو نوع نگاه به فرهنگ و جامعه به تصویر می‌کشد. او دو سال بعد، امکان تولید دومین

اثرش یعنی «غریبه و مه» را پیدا می‌کند و این بار با فاصله گرفتن از سینمای قصه‌گو، به سراغ سورئالیسم و

پرداخت نمادین روایت‌ها و شخصیت‌ها می‌رود. سرانجام در ۱۳۵۶ «کلاغ» را می‌سازد؛ بازگشتی دوباره

به ساختاری که «رگبار» خلق می‌کند و این بار با شخصیت‌های متفاوت و ورود به دنیایی جدید با

موضوعی تازه: بحران هویت. یک سال بعد در «چریکه تارا» بار دیگر به دنیای نماد و استعاره که از

«غریبه و مه» می‌آید، باز می‌گردد.

● نگاهی به کارنامه بهرام بیضایی از ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ به وضوح نشان می‌دهد که اگر دوره‌های فترت ۱۰ و

۷ ساله رخ نمی‌دادند، او با تکیه بر تجارب و شناخت عمیق و یگانه‌ای که از اسطوره‌های ایرانی و

ادبیات و نمایش مشرق زمین داشت هم در عرصه سینما و هم نمایش، آثاری را جلوی دوربین

و روی صحنه می‌برد که بدون تردید تحولی شگرف در سینمای اندیشمند ایران به وجود

می‌آورد. آنچه در این نوشتار آمد، صرفاً مرثیه‌ای برای متفکر بزرگ سینمای ایران نیست،

بلکه نوعی یادآوری برای پیشگیری از کم‌کاری ناخواسته دیگر نام‌های شاخص

سینمای ایران است.



بهرام بیضایی،

نامزد هفت

سیمرغ و برنده سه

سیمرغ بلورین

برای «مسافران»،

«سگ‌کشی» و

«وقتی همه خواب بودیم»

از ادوار جشنواره

فیلم فجر است.





چگونه با «سینما» به آینده بیندیشیم

محمود گبرلو
منتقد



«بحران» همواره به عنوان یکی از مؤلفه‌های همراه جشنواره فیلم فجر مطرح بوده است؛ چراکه ذات برگزاری هر جشنواره فرهنگی با چالش‌ها و شرایط پیش‌بینی‌ناپذیر گره خورده و در مقابل، ماهیت نهاد برگزارکننده ایجاب می‌کند با تدبیر، مدیریت و آرام‌سازی فضا، از توقف حرکت این رویداد جلوگیری کند. جشنواره فیلم فجر نیز در طول سال‌های برگزاری خود، از مرحله انتخاب آثار و داوری تا نمایش فیلم‌ها در سالن‌ها و تأمین امکانات و رفاه برای فیلمسازان و مخاطبان، همواره با چنین چالش‌هایی مواجه بوده است.

با این حال، این رویداد فرهنگی حتی در دشوارترین مقاطع تاریخی کشور، از جمله سال‌های جنگ تحمیلی، دوران همه‌گیری کرونا و همچنین مقاطع پرتنش اجتماعی در سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۸۸ و ۱۴۰۱ و نیز روزهای پراشتاب اخیر که متأسفانه برخی اعتراض‌ها به بستر سوءاستفاده و بروز خشونت و کشتار جمعی از هم‌وطنان انجامید، با درایت و برنامه‌ریزی، سینمای ایران و سینماگر ایرانی مسیر خود را ادامه داده و تلاش کرده است زمینه‌ای باثبات‌تر برای آینده سینمای این سرزمین فراهم آورد. تداوم برگزاری جشنواره فیلم فجر، بیانگر ظرفیت و قدرت سینما به عنوان یک رسانه تأثیرگذار فرهنگی است؛ رسانه‌ای که می‌تواند عامل همبستگی و همدلی میان فعالان و مخاطبان خود باشد و حتی در شرایط بحرانی نیز چرخه تولید را فعال نگه دارد. سینما در این مقاطع، نقشی فراتر از سرگرمی ایفا کرده و به پناهگاهی فرهنگی بدل شده است؛ جایی که مخاطبان خسته از فضای ملت‌هپ اجتماعی برای لحظاتی آرامش، هم‌نشینی و بازاندیشی را تجربه می‌کنند.

از سوی دیگر، اعلام آمادگی بیش از ۱۴۰ اثر سینمایی برای حضور در فرایند انتخاب و داوری جشنواره، نشان‌دهنده تداوم و رونق تولید در سینمای ایران است. این آمار گویای آن است که فیلمسازان، به‌رغم مشکلات متعدد اقتصادی و اجرایی، مسئولیت اجتماعی خود در قبال مخاطب را فراموش نکرده و با جدیت، بر تولید آثار سینمایی افزوده‌اند. در این میان، سهم بیش از ۳۰ درصدی فیلمسازان جوان و تازه‌وارد به عرصه سینما، نشانه‌ای روشن از پویایی، ظرفیت‌سازی و شکوفایی نسل جدید در حوزه تولید فیلم و نویدبخش آینده‌ای پویا برای سینمای ایران است. آنچه در این مسیر حائز اهمیت است درک متقابل و همدلی و همراهی، به‌رغم همه اختلاف نظرهای عقیدتی، سیاسی بین سینماگران و حاکمان است که در جایگاه قدرت قرار گرفته‌اند. فیلمساز در این شرایط بحرانی نیاز بیشتری به توجه و همدلی و شنیدن درد دل‌هایش دارد. پرهیز از رفتارها و برخوردهای قهرآمیز، رمز موفقیت برای پیشبرد سینماست. حتی با کسائی که روزی در این کشور هنرمند دوست داشتند و محبوب بودند اما حالا به‌خاطر عقاید شخصی یا سیاسی خود، کشور و وطن را ترک کردند یا در محافل اپوزیسیون طبل مخالفت و براندازی می‌کوبند. خوشبختانه طی این سال‌ها با درایت دبیری انتخاب شده است که قدرت اتحاد و همدلی در وجودش نهفته و پدیده و هوشمندانه این‌سکان قدرتمند فرهنگی را هدایت می‌کند. طبیعتاً در این شرایط همه باید دست‌یاری بدهند تا «سینمای ایران» همچنان با اقتدار بماند.



به یاد روزنامه‌نگاران سینمایی که بین ما نیستند

قطعه ژورنالیست‌ها

علی افشار
روزنامه‌نگار



«اصغر یوسفی‌نژاد» که در همان «فیلم» عزیز، کتاب‌های سینمایی را به ما معرفی می‌کرد و بعد در فیلمسازی درخشید اما عمرش کفاف نداد و رفت. رفتگانی که هم خبرنگار و نویسنده بودند و هم دستی در سینما داشتند کم نبودند. از «زاوَن فوکاسیان» با کتاب‌ها، آثار و شاگردان بسیاری که پرورش داد، «جمشید صداقت‌نژاد» ژورنالیست و فیلمنامه‌نویس قدیمی تا «سپروس قهرمانی» که سال‌ها سردبیر یک نشریه سینمایی قدیمی بود و «علیرضا آقابالاچی» که رسانه و سینما را با هم دنبال می‌کرد اما عمرش به دنیا نبود. جوان‌مردن بروچیه‌های همکار برایم سخت‌تر و دردآورتر بود. ماه‌ها رفتن «اشکان منصوری» خبرنگار پرتلاش را که او هم عاشق بازیگری بود، باور نداشتم. مثل «علی وزینی» عکاس و خبرنگار جوان که هنوز شماره‌اش در تلفن همراه دارم... مثل «لادن خاقانی»، «زینب غلیبورا»، «مایا شرفی»، «حسین احمدی»، «عباس اقلامی» که آنها هم ناگهان رفتند؛ یا «وحید اسلامی» که فیلم‌میلاردی ساختن به او نساخت و رفت و غمگین‌مان کرد. به یاد «شاپور عظیمی»، «سرکیس شاه‌نظریان»، «شیده لالمی»، «سید ابراهیم بحر العلومی» و «مازیار شیخ‌محبوبی» می‌افتم که تا روزهای آخر نشانی از رفتن نداشتند و فعال بودند و پر از انرژی یا «همایون خسروی‌دهکردی» که به سیاق نوستالژیک یکی از مجلات جذاب دو دهه آخر قرن پیش را برایمان به یادگار گذاشت و «اکبر عالمی»، «جمشید ارجمند»، «ابوالحسن علوی طباطبایی»، «محسن سیف»، «علیرضا وزل شمیرانی»، «حسن ملکی»، «ایرج کریمی»، «مدیا کاشیگر»، «سید ابراهیم نبوی»، «ایرج صابری»، «عبدالله تربیت»، «هوشنگ حسامی»، «پرتو مهتدی»، «بهرام ری‌پورا»، «سیامک پورزند»، «هوشنگ کاووسی» و «مسعود بهاری» که از آنها بسیار آموخیم. یادشان همیشه در قلب ماست.

چند روز مانده به شروع فجر ۴۴ خبر آمد «پرویز نوری» که بیش‌تر از فیلمساز و فیلمنامه‌نویس بودن، به عنوان یک نویسنده و روزنامه‌نگار سینمایی شناخته می‌شد، در غربت و پس از سال‌ها ابتلا به سرطان از دنیا رفت. ژورنالیست و منتقدی که ماجرای ایستادنش پای فیلم «فیصر» را همه می‌دانند... یاد روزهایی افتادم که در دوران اوج هفته‌نامه‌ها، سینما دوستان را با دو صفحه جذاب در «هدف» همراه خود می‌کردم سال‌ها که در ماهنامه «فیلم امروز»، از سینمای دنیا می‌نوشت. به این فکر کردم از «فیلم امروز» و «فیلم» هم نویسنده‌های زیادی را از دست داده‌ایم. از «مجید صدقی» خبرنگار پرتلاش ماهنامه فیلم تا «محسن جعفری‌راد»، و البته «مسعود مهرابی» هنرمند گرافیک و صاحب‌امتیاز «فیلم» دوست‌داشتنی که رفتنش باعث شد تا جمع یاران قدیمی از هم بگسلد. به یاد می‌آوریم «وصال روحانی» از پرکارترین مترجمان را که به ناگاه همین امسال از دستش دادیم و «حمیدرضا صدر» از دوست‌داشتنی‌ترین نویسندگان و تحلیلگران که هنوز رفتنش را باور نداریم... اندکی قبل از شروع جنگ ۱۲ روزه، «بیژن اشتری» روزنامه‌نگار و مترجم قهار فیلم و دنیای تصویر در سال‌های اوج غم بزرگی بر دل همه مخاطبان و البته شاگردانش به جای گذاشت. یاد «علی معلم» بزرگ می‌افتم که هنوز از نبودش افسوس می‌خوریم و جایش همه جا و در همه بزرگه‌ها خالی است. به یاد «پرویز چهاردولی» می‌افتم که در ادوار کاغذ و قلم یکی از خبرنگاران کوشا بود. یا «رضا رستمی» که شخصیت کاریزماتیکش را در دل همه جا گذاشت و ناپهنگام به دیار باقی شکافت. «علیرضا غفاری» را به یاد می‌آورم که تا همین چند سال پیش در جلسات انجمن منتقدان حاضر بود و فعال و اولین و آخرین فیلمی را که ساخت در هنرتجربه اکران کرد اما ظاهراً برایش خوش‌یمن نبود... مثل



سکانس ۴۴؛ سال کشف

در ادوار جشنواره فیلم فجر بارها شاهد کشف در رشته‌های مختلف صنعت سینما بوده‌ایم. در دوره‌هایی که در فهرست فیلم‌ها، به فیلمسازانی بر می‌خوریم که نامشان به گوش مان نرسیده، شاید بتوانیم منتظر کشف‌های تازه باشیم. یادمان نرود که «پدالله صمدی»، «مسعود جعفری جوزانی»، «رسول ملاقلی‌پور»، «ابراهیم حاتمی‌کیا»، «کیانوش عیاری» و «رخشان بنی‌اعتماد» را هم در آن سال‌های آغازین جشنواره کسی نمی‌شناخت اما فجر به آنها بال و پر داد و جوایز و سیم‌رغ‌های پی‌درپی شان باعث ثبت موقعیت ممتاز و حرکت به سمت یگانه شدن آنها شد. امسال از میان فیلم‌های متقاضی، ۵۵ فیلم متعلق به کارگردانان اول است و ۱۲ فیلم از این بین به عنوان فیلم‌اولی‌های جشنواره به رقابت با سایر آثار می‌پردازند. باید منتظر ماند و دید همچون «پرویز شهبازی»، «بهنام بهزادی»، «نیما جاویدی»، «سعید روستایی» و «حسام فرهنگ» و دیگران، امسال نیز شاهد کشف چهره‌های جدید در عرصه فیلمسازی خواهیم بود؟



نبض انیمیشن در جشنواره

سالی که بهرام عظیمی با سبک و سیاق خود انیمیشن سینمایی «تهران ۱۵۰۰» را روانه جشنواره فیلم فجر کرد هنوز آزمون و خطاها به نتیجه نرسیده بود و حتی همان حضور با برخی نقدها روبه‌رو شد. وقتی فجر به انیمیشن توجه بیشتری نشان داد و به اشکال مختلف، سینمای بلند داستانی در عرصه انیمیشن را با ایجاد بستر برای دیده شدن و اهدای جوایز حمایت کرد، قلب این سینما تپیدن گرفت و با رکوردشکنی آثار شاخص انیمیشن (از پسر دلفینی تا پچه زنگ و ...) در اکران عمومی، امروز می‌توان به این نتیجه رسید که نبض سینمای انیمیشن در سانس اکران در سالن رسانه‌ها می‌زند و این یک خبر خوش برای بالندگی این سینماست. به گفته دبیر جشنواره فیلم فجر امسال سازندگان ۵ انیمیشن در جشنواره ثبت نام کردند که تنها یک انیمیشن به جشنواره رسید و به همین دلیل در خارج از مسابقه قرار داده شد.

داوری یکپارچه؛ گام اول تغییر

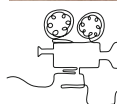


«تلاش کردیم داوری جشنواره را یکپارچه کنیم». یک اتفاق مهم در جشنواره فیلم فجر پس از سال‌ها که قبل از این کمتر نظیر آن را دیده بودیم. طبیعتاً برای سازندگان فیلم کوتاه و مستند، دیده شدن آثار توسط داوران فیلم‌های بلند و این که در کنار فیلم‌های بلند سینمایی مورد ارزیابی قرار بگیرند، با حس خوبی همراه است. این تغییر رویه با نظر مستقیم دبیر جشنواره فیلم فجر صورت گرفته و اگر جواب بدهد که محتمل است، می‌تواند یک تغییر بنیادین برای ادوار بعدی فجر باشد.

تصویر امروز



سینما، هنرمندان و مخاطبان‌شان در سخت‌ترین روزها گردهم می‌آیند. چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر که در همه این سال‌ها، جزو رویدادهای فرهنگی پرمخاطب کشور بوده و جایی برای طرح هنرمندانه تازه‌ترین ایده‌ها از سوی هنرمندان برای مردم و کارشناسان به شمار می‌رود.



نگاه ایرانی

«خانه دوست کجاست؟» با نگاهی ناتوازیستی و منش عارفانه، ضوابط مینی‌مالیستی خود را تا کوی معرفت روانه می‌کند و با منطقی معصومانه خود را به درون آذهان می‌افکند.

هوش مصنوعی در آزمون فجر



گرچه پیش از این قدم‌هایی در سینمای ایران برای تولید فیلم با استفاده از هوش مصنوعی برداشته شده و در دو دوره گذشته جشنواره تهران هم یک فیلم کوتاه با این تکنولوژی ارائه شد اما امسال در رویتین فجر ۴۴ یک فیلم بلند سینمایی با نام «مولا» به کارگردانی عباس لاجوردی در بخش خارج از مسابقه با بازی محمود مقامی، حسین پورپرده، جواد کامل و محمد صادقی پذیرفته شده که کنج‌کاو برانگیز است. فیلمی با محوریت غدیر و گفت‌وگوی دو متفکر اهل سنت و شیعه. نکته‌ای که حضور این فیلم در جشنواره را قابل توجه می‌کند، ایجاد یک میدان تازه است. این که شاید فجر این بار هم با ایجاد بستری برای تحلیل و دیده شدن، دریچه تازه‌ای را برای طی شدن یک مسیر نو باز کند. همچنان که منوچهر شاهسوری دبیر جشنواره در نشست با اهالی رسانه گفته بود: «تاکنون نمونه‌ای از یک فیلم صد درصد ساخته شده با هوش مصنوعی سراغ ندارم. فیلم «مولا»، فارغ از کیفیت و مضمون، باید دیده شود تا امکان بررسی‌های بیشتر فراهم شود.»

صفحه آخر
روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر

